

## ماجرا دم

سلسله تفلن را می‌توان با عنوان «تفلن» ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷۷

دبیران مدارس غیردولتی از مزایای آخر سال محرومند. معلوم نیست چرا دبیران مدارس غیردولتی از عیدی و پاداش آخر سال محرومند.درحالی که میزان زحمت و تلاشی که این دسته از آموزگاران می‌کشند مطابق یا حتی گاهی اوقات بیشتر از همکاران شان در مدارس دولتی است. درست است که مدارس غیردولتی هزینه‌هایشان را خودشان تأمین می‌کنند و از طرف دولت وجهی به آنها پرداخت نمی‌شود ولی باید قانونی وضع شود که این مدارس هم با کارکنان شان عادلانه برخورد کنند.

**گلاره ز تهران**

آژانس‌های تاکسی بدون پارکینگ، عامل ترافیک در شهر نور تعدادی از آژانس‌های تاکسی در شهر نور مازندران که پارکینگ ندارند، خودروهایشان را داخل کوچه و خیابان پارک می‌کنند که همین موضوع موجب تشدید ترافیک و دزدسر برای مردم شده است.خصوصا در خیابان‌ها و کوچه‌هایی که عرض کمی دارند و در حالت عادی هم عبور و مرور از داخل آنها سخت است. از مسئولان درخواست داریم تاصرفا به آژانس‌هایی اجازه فعالیت بدهند که پارکینگ شخصی دارند و حقوق بقیه شهروندان را تضییع نمی‌کنند.

**چلاجور از نور**

کوچه‌های مسجد سلیمان نظافت نمی‌شوند. متأسفانه وضع کوچه‌های شهر مسجدسلیمان بسیار بد است. به‌طوری که در اکثر اوقات شبانه‌روز، انبوهی از زباله در سطح معابر به چشم می‌خورد و بوی نامطبوع خصوصا در روزهای گرم سال، هم می‌رسد.بازارها موضوع را به گوش مسئولان شهری رسانده‌ایم ولی تاآن هیچ اقدام و حرکتی جهت حل این مشکل نکرده‌اند.جدای از اینکه تجمع زباله‌ها چهره شهر را نازنیامی‌کند ادامه این وضع سلامت مردم و محیط‌زیست را هم به خطر می‌اننداز.

## مبعصری از مسجدسلیمان

پیامک

ارسال پیام کوتاه شماره ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

خودپردازهای بدون پول دارای علامت شوند بسیار پیش می‌آید که برای دریافت پول از خودپرداز معطل می‌شویم و تازه بعد از ایستادن در صف و ناموفق بودن نقرات جلویی در دریافت وجه نقد متوجه می‌شویم دستگاه پول ندارد و اینگونه هزاران شهروند در گوشه و کنار شهر وقت‌شان هدر می‌ود.راهکار این است که وقتی پول دستگاه تمام شد در صفحه اصلی خودپرداز علامتی روشن شود که مردم حتی بدون نیاز به پیاده شدن از خودرو متوجه شوند که دستگاه خالی است و اینگونه وقت شهروندان هدر نرود.

پایانه تاکسی کرج به تهران از پل آزادگان دوباره راه‌اندازی شود چند سال قبل پایانه‌ای زیر پل آزادگان واقع در بلوار امام رضای شهر کرج وجود داشت که ظاهرا به‌دلیل عدم استقبال مردم جمع‌آوری شد.افرادی مثل من که محل زندگی‌شان نزدیک به این پل است و هر روز مسیر کرج به تهران و بالعکس را تردد می‌کنند و ناچارند مسیری طولانی را برای رسیدن به مترو یا رفتن به پایانه تاکسی(واقع در بلوار شورا) سوار تاکسی شوند و خوب طبیعتا هزینه اضافی می‌پردازند.از مسئولان تاکسیرانی شهر کرج درخواست داریم تا دوباره پایانه پل آزادگان را راه‌اندازی کنند تا مشکل ماحل شود.

به دارندگان سند در شهرک زیتون ک مجوز بدهند یا معوض به ۲۰ سال قبل مالکان قانونی ارضی شهرک زیتون سرخ‌حصار تهران با وجود داشتن سند خدائگ برای دریافت مجوز ساخت در این منطقه مشکل دارند و تاکنون مسئولان دلیل منطقی برای این اقدام اعلام نکرده‌اند. سؤال این است اگر به هر دلیلی امکان ساخت در این منطقه نیست پس چرا سند خدائگ به مالکان تعلق گرفته است. از مسئولان تقاضا داریم یا مجوز ساخت بدهند یا ارضی معوض هم قیمت این ارضی به مالکان بدهند.

## ایزدی

**پیام**
@ تلگراممردم
**تلگراممردم**
**hamshahri@barmard**

خودارزیایی برای رتبه‌بندی معلمان کار نادرستی است به خاطر سیاستگذاری غلط برخی از معلمان برای دریافت رتبه و مزایا مرتکب رفتاری می‌شوند که در شأن هیچ معلمی نیست. کیی زدن از تشویقی‌ها و مدارک تشویقی بود که یکدیگر و ارسال به اداره و اعمال شدن همین تقلب برای این افراد یک مورد از این موارد است. در بحث رتبه‌بندی، گزینه خودارزیایی هم محل سؤال است چرا که اگر فرد متعهد باشد نمی‌تواند از خودتش تعریف کند و از این ناحیه زیان می‌بیند و اگر از استحکام تقوایی چندانی برخوردار نباشد با توجیه اینکه دیگران برای خودشان گزینه عالی را می‌زنند ایشان هم این کار را می‌کند. باید روش‌های دیگری برای اعطای رتبه و گروه و امتیاز و حقوق به معلمان و سایر اقشار کارمند به کار ببرند.

**رضوی از تهران**

بهداشت حرفه‌ای به شغل مراقب سلامت مدارس افزوده شود حوادث داخل مدارس و نیز مشکلات بهداشتی و آروگونومیکی ایجاد می‌کند که شغل بهداشت حرفه‌ای به شغل مراقب سلامت افزوده شود تا مشکلات حوزه بهداشت و درمان مدارس کاهش یابد.

**خوشدل از آستارا**
مبالغ نجومی قبض گاز برای مناطق سردسیر تعدیل شود قبض گاز یکماه مستترکان در منطقه سردسیر استان فارس ۷ میلیون تومان شده است، درصورتی که مصرف‌ان فقط یک بخاری بوده است. حال چگونه این مبلغ نجومی که برای خانواده‌های ساکن در مناطق سردسیر زندگی می‌کنند، پرداخت شود؟

**فتحی از خرم‌بید استان فارس**

## گزارش

**محمد جعفری**

**روزنامه‌نگار**

## بچ فراری وفا کو چولو برای آزادی پدرش

مرد جوان، زمانی که دخترش فقط ۲ماه داشت به اتهام قتل ناخواسته به قصاص محکوم شد. هر چند اولیای دم اعلام کردند در ازای دریافت ۳میلیارد و ۸۰۰هزار تومان حاضر به بخشش هستند و خانواده‌اش توانسته‌اند نیمی از این مبلغ را فراهم کنند؛ اما خانواده این مرد فقط تا ۲۰روز دیگر برای تهیه بقیه دیه و نجات او از چوبه دار مهلت دارند و این در حالی است که دختر ۵ساله او بی‌تاب پدرش است.

به گزارش همشهری، این مرد ۳۵ساله که یاسر عموری نام دارد نیمه شب ۲۶بهمن‌ماه سال ۹۶در مقابل خانه‌شان در یکی از محله‌های اهواز مرتکب قتل شد. او که آن زمان ۲۹سال داشت نگهبان خودروهای پارک شده در کوچه بود. در آن محله به‌دلیل اینکه برخی خانه‌ها فاقد پارکینگ هستند یا اینکه کوچه تنگ و پارک است و خودرو نمی‌تواند وارد آنجا شود، خودروها را در زمینی باز پارک می‌کنند. آن زمان یاسر به‌دلیل اینکه مشغل مناسبی نداشت از ساعت ۸شب تا ۶صبح نگهبانی می‌داد و مراقب خودروهای همسایه‌ها بود و در ازای هر خودرو هزار تومان دستمزد می‌گرفت. از چند شب پیش از حادثه یاسر متوجه شده بود که فردی به‌خودروهای مردم نزدیک شده و قصد سرقت دارد. به همین دلیل هوشیار بود تا مانع سرقت از خودروها شود. شب حادثه اما اتفاق تلخی افتاد. او تازه چند روز بود که این کار را به برادرش واگذار کرده و خودش در یک شرکت استخدام شده بود. آن شب او که در خانه بود از بیرون صدایی شنید و با تصور اینکه دزد آمده اسلحه شکاری را که داشت، برداشت و از خانه بیرون رفت. او چند نفر را در نزدیکی ماشین‌ها دید و با تصور اینکه آنها دزد هستند تیراندازی کرد. گلوله شلیک شده به یکی از آنها برخورد کرد و وی به‌شدت مجروح شد. درحالی‌که او غرق در خون روی زمین افتاده بود هم‌راهش با فرار گذاشتند و یاسر و برادرانش با کرایه کردن خودرو جوان همسایه را به بیمارستان رساندند اما او ساعتی بعد به‌دلیل شدت خونریزی جانش را از دست داد.

به‌دنبال این حادثه یاسر از ترس یا به فرار گذاشت و تا ۲۵روز هیچ‌کس از مخفیگاش اطلاعی نداشت. این حادثه تلخ در شرایطی رقم خورد که یاسر مدتی قبل صاحب فرزند شده بود و

## حوادث

**مردی که از ۵سال قبل به زندان افتاده، برای آزادی، چشم انتظار کمک خیران است**

## بچ فراری وفا کو چولو برای آزادی پدرش



آخرین عکس یاسر و فرزندش پیش از جنایت

وابستگی زیادی به دخترش داشت اما این حادثه آنها را از یکدیگر جدا کرد. سرانجام بعد از مدتی با پاد میانی بزرگان منطقه و اعلام اینکه یاسر بخشیده می‌شود او خودش را تسلیم کرد.

**در دادگاه**

متهم در جریان تحقیقات مقدماتی به قتل و استفاده از اسلحه غیرمجاز اعتراف کرد اما مدعی شد ناخواسته مرتکب قتل شده است و هیچ نقشه‌ای برای گرفتن جان مقتول نداشته است. چنین بود که پرونده با صدور کیفرخواست به داد‌گاه کیفری یک استان خوزستان فرستاده و او محاکمه شد.

در جلسه محاکمه پدر و مسادر مقتول به‌عنوان اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و خواستار صدور حکم قصاص برای مرتهم شدند. در ادامه یاسر به دفاع از خود پرداخت و گفت: چون مردم خودروهایشان را به من سپرده بودند من هم همه تلاشم را برای امانت داری و نگهداری از خودروهای آنها انجام می‌دادم. آن شب هم فکر می‌کردم که آنها سارق هستند وقتی آنها را دیدم ناخواسته دستم‌روی ماشه رفت و شلیک کردم. اما باور کنید که قصدی برای قتل نداشتم. او ادامه داد: تازه خدا دختری به من داده بود که نامش اوفا گذاشته بودم و آن موقع ۲ماهه بود. اما از وقتی دستگیر شدمم او را ندیده‌ام. بعد از این حادثه زندگی ام از هم پاشید و از اولیای

و اولیای

## عامل جنایت در غرب تهران پس از بازگشت به پایتخت دستگیر شد سفر به ایران به خونخواهی قتل داماد

وقتی داماد خانواده‌ای در افغانستان به قتل رسید، برادران عروس تصمیم گرفتند هر طوری شده عامل جنایت را پیدا کرده و از او انتقام بگیرند تا اینکه نقشه انتقام‌جویی آنها در ایران عملی شد. به گزارش همشهری، این پرونده جنایی یازدهم فروردین ۱۴۰۰ در دادسرای جنایی تهران به جریان افتاد. در آن روز به قاضی محمدجواد شیعئی، بازپرس جنایی پایتخت خبر رسید که پسری جوان در جریان یک درگیری به قتل رسیده است. محل حادثه محوطه پشت فروشگاه‌های بزرگ در غرب تهران بود. تیم جنایی پس از حضور در آنجا با یکدیگر بی‌جان مردی مواجه شدند که با ضربات چاقو جانش را از دست داده بود. با تحقیق از شاهدان مشخص شد لحظاتی پیش از جنایت سرنشینان خودرویی سدره مقتول و ۳نفر از آن پیاده شده بودند. آنها که ظاهر از قبل مقتول را می‌شناختند به محض پیاده شدن، به سمت وی حمله کرده و در درگیری جان او را گرفته، سپس سوار خودرو شده و فرار کرده بودند.

در ادامه بررسی‌ها معلوم شد که مقتول اهل کشور افغانستان بود و دوپین مداربسته فروشگاه، لحظه درگیری را ثبت کرده بود. وقتی تصاویر متهمان به‌دست آمد و به خانواده مقتول نشان داده شد، آنها قاتلان را شناسایی کردند.
اعلان درگیری از همسایریان مقتول بودند که به‌منظر می‌رسید از مدت‌ها قبل با او دچار اختلافاتی شده بودند. با سرخ‌های به‌دست آمده ۲ نفر از عاملان درگیری مرگبار دستگیر شدند، اما معلوم شد عامل اصلی جنایت فرد دیگری است. یکی از متهمان گفت: عاملان اصلی جنایت کسه با یکدیگر برادر هستند نظیر و حفیظ نام دارند. ما هم در درگیری حضور داشتم اما فقط مقتول را کتک زدیم. گمان می‌کنم حفیظ بود که با چاقو به مقتول ضرباتی زد. در ادامه تحقیقات نظیر دستگیر شد، اما متهم اصلی یعنی برادر ناتنی او حفیظ فراری شده و شواهد نشان می‌داد از ایران گریخته است.

**پایان ۲ سال فرار**

نام حفیظ در لیست افراد تحت تعقیب قرار گرفته بود اما وی به‌صورت غیرقانونی از مرز ایران خارج شده و به افغانستان برگشته بود.به این ترتیب نام و مشخصات وی در اختیار اینترپل قرار گرفت.

**تیراندازی‌های ناخواسته و اشتباه تاکنون جان افراد زیادی را گرفته است**

## مرگ در شلیک اشتباهی

تیراندازی‌های اشتباهی رقم خورده و تاکنون جان افراد زیادی را گرفته است. در تازه‌ترین مورد نیز جوانی که می‌خواست به مرگ شلیک کند ناخواسته پدرش را هدف قرار داد و جان او را گرفت.

به‌گزارش همشهری، تازه‌ترین مورد شلیک اشتباهی در یکی از روستاهای اسلام‌آباد غرب واقع در استان کرمانشاه اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یک مرگ به گله یکی از عشایر منطقه حمله کرده بود و گوسفندان را می‌درید. در این‌صورت وضعیت بود که پسر جوانی یک اسلحه کلاشنیکف که در اختیار داشت را برداشت و شروع به تیراندازی کرد. او قصد داشت مرگ را هدف بگیرد و گوسفندان را از شر او خلاص کند اما ناخواسته به‌سوی پدرش تیراندازی کرد و شلیک گلوله‌ها به قیمت جان پدرش تمام شد. سرهنگ هوشنگ مبارکی، فرمانده انتظامی اسلام‌آبادغرب در این‌باره گفت: پس از کشته شدن این مرد ۴۵ساله در زمین‌های کشاورزی، معلوم شد

## گفت‌وگو

**به نام خدا**

## انگیزه‌ات از قتل چه بود؟

وقعا قصد قتل نداشتم.منه من و نه برادر. رفته بودیم که مقتول را تنبیه کنیم کند اما این تنبیه به قیمت از دست رفتن جان همشهری وی تمام‌شده است. او ۷ سال فراری بود و دلنگی موجب شد تا به ایران برگردد اما پس از بازگشت دستگیر شد.

**چرا او را کینه به دل داشتمیدو خواستید انتقام بگیرید؟**

چون مدت‌ها قبل مقتول و خانواده‌اش در افغانستان داماد ما را درگیری به قتل رساندند و همین موجب شد تا من و برادر ناتنی‌ام از خانواده‌اش کینه به دل بگیریم. آنها پس از قتل به ایران فرار کردند و ما که هر از گاهی برای کار به ایران سفر می‌کردیم، تصمیم گرفتیم به‌سرگ مقتول و خانواده‌اش برویم تا تا آنجا انتقام بگیریم. پس از این یکبار آنها را در یک مراسم عروسی در تهران دیدیم. مقتول با برادرم در تالار درگیر شدند و او آن شب حسلی با برادرم را کتک زد. این اتفاق کینه ما را بیشتر کرد و به‌دنبال راهی بودیم تا او را تنبیه کنیم.

**برگردیم به روز حادثه، از آن روز بگو چه اتفاقی افتاد؟**

ما از قبل مقتول را نیز برظرت داشتم.و آن روز برادر ناتنی‌ام نظیر دستور جنایت داد. او اما آن روز خودش داخل ماشین‌ماند و من با چاقو به سمت مقتول حمله ور شدم. قصد نبود جان او را بگیریم فقط می‌خواستم آسیب جدی به او وارد کنم. پس از آنکه با چاقو وضربه به او زدم فرار کردم اما چند روز بعد نظیر به من گفت که مرتکب قتل شده‌ام و پلیس دنبالم است. من هم که از زندانی شدن می‌ترسیدم تصمیم به فرار گرفتم.

**در این مدت کجا پنهان شده بودی؟**

به یکی از شهرهای مرزی افغانستان رفتم و در خانه یکی از دوستان ساکن شدم. انقدر می‌ترسیدم که جرأت نمی‌کردم روزها از خانه خارج شوم. بیشتر وقتها در خانه می‌ماندم و مدام کلبوس دستگیری و اعلام را می‌دیدم.حتی با برادر مقتول تماس گرفتم و از او خواستم مرا ببخشند. چندین بار هم خواستم به ایران برگردم اما از ترس مجازات بی‌خیال شدم. در این مدت هزار گاهی با مدرم تماس می‌گرفتم که او با گریه و التماس از من می‌خواست که به ایران برگردم. می‌گفت همسر و بچه‌ها تنها هستند و من به نیاز دارم. می‌گفت برگرد خودت را معرفی کن تا ما از خانواده مقتول رضایت بگیریم.اما من هر بار که به زندان و چوبه دار فکر می‌کردم از برگشتن می‌ترسیدم. هرچند که در آنجا هم زندگی نمی‌داشتم.

**چه شد تصمیم به برگشت گرفتی؟**

دلنگی دلم برای مدرم، همسر و بچه‌هایم تنگ شده بود. مدرم پشت تفلن گریه می‌کرد که وضعیت خانواده‌ام خوب نیست و در تهران سرگردان هستند. دیگر دلم را به دریا زدم و برگشتم. با خود گفتم اگر دستگیر شوم به پای اولیای دم می‌آتم تا به‌خاطر بچه‌هایم مرا ببخشند.

**تیراندازی ناخواسته به همسر و فرزند**

گاهی نگهداری اسلحه ممکن است اتفاقات وحشتناکی را رقم بزند. مثل حادثه‌ای که چند وقت قبل برای مردی روستایی افتاد و باعث شد که او بر اثر یک اشتباه جان دختر ۱۰ساله‌اش را بگیرد. مرد روستایی که در روستایی در آبخیزچین شهرستان بویراحمد زندگی می‌کرد مسئول تیراندازی کردن اسلحه‌اش بود که ناگهان چند گلوله از آبن شلیک شد. تیرهای همسر و دختر این مرد اصابت کرد و جان دختر را گرفت.

**قربانی در شکار گراز**

تعداد زیادی از حوادث مربوط به تیراندازی‌های اشتباهی معمولاً در جریان شکار اتفاق می‌افتد. یکی از این حوادث مدتی قبل در جریان شکار گراز در روستای گویزیله از توابع شهر میرآباد سردشت رخ

## هلمشهری

## خارجی

ابعاد قتل بنیانگذار اپلیکیشن کش‌آپ فاش شد

## شاهد ناشناس از جنایت مرد ایرانی در سانفرانسیسکو گفت



در روزهای گذشته خبر قتل بابلی، بنیانگذار اپلیکیشن «کش‌آپ» توسط یک جوان ایرانی در شهر سانفرانسیسکو آمریکا، تیتراول بسیاری از رسانه‌های دنیا را به‌خودش اختصاص داده بود. گمانه‌زنی‌ها درباره علت و انگیزه جنایت داغ بود و خیلی‌ها به‌دنبال پاسخ این سؤال بودند که انگیزه جوان ایرانی از این جنایت چه بود تا اینکه در نخستین جلسه داد‌گاه و فاش شدن اظهارات شاهدی که در این پرونده حضور دارد، ابعاد تازه‌ای از این جنایت فاش شد.

به‌گزارش همشهری، ماجرای این جنایت به صبح روز ۱۴ آوریل، ۱۳روز پیش برمی‌گردد. آن روز پیگر نیمه‌جان بابلی، بنیانگذار اپلیکیشن کش‌آپ در یکی از خیابان‌های سانفرانسیسکو پیدا شد اما پس از انتقال به بیمارستان، وی جانش را از دست داد. بررسی‌ها نشان می‌داد که او هدف ضربات چاقو قرار گرفته است و به این ترتیب تحقیقات پلیس برای کشف زان این جنایت آغاز شد. بابلی بنیانگذار اپلیکیشنی بود که حدود ۴۰میلیارد دلار ارزش داشت و همانند یک کیف‌پول عمل می‌کرد و همین باعث شده بود که کاربران به راحتی کارهای بانکی و مالی خود را از طریق آن انجام دهند. همین باعث شهرت بابلی شده و به همین دلیل خبر قتل او به سرعت تبدیل به خبری داغ شده بود. تحقیقات پلیس درباره این جنایت خیلی زود آنها را به آبار تمان جوانی ایرانی به نام نیما رساند. جوانی ۲۸ساله که خود مالک و بنیانگذار یک شرکت فناوری در سانفرانسیسکو بود. او به اتهام قتل بابلی دستگیر شد و در این مدت تحقیقات در این پرونده ادامه داشت تا اینکه با نخستین حضور وی در داد‌گاه و فاش شدن اظهارات یک شاهد در این پرونده، ابعاد تازه‌ای از این جنایت فاش شد.

به‌گفته‌باز پرس‌ها، همه ماجرا در این پرونده به شک ایمان نسبت به رابطه خواهرش به نام خزر و بابلی(مقتول) برمی‌گردد. ماجرا از این قرار بود که یک شب قبل از جنایت، نیما با بابلی تماس گرفته و از او درباره رابطه‌اش با خواهرش سؤال و جواب کرده است. یک شاهد عینی که داد‌گاه هویت او را فاش نکرده، گفته که شب قبل از جنایت، خواهر نیما با بابلی قرار داشته و پس از این قرار، وقتی نیما از ماجرا با خبر شد، بابلی با(مقتول) تماس گرفته و از او خواسته که درباره رابطه‌اش با خواهرش توضیح دهد. بابلی نیز در این تماس به نیما اطمینان داده که بین آنها هیچ اتفاق نامناسبی رخ نداده و این یک ملاقات دوستانه بوده است. چند ساعت پس از این تماس تلفنی، درحالی‌که ساعت از نیمه‌شب سوم آوریل گذشته بود، باب لی به سمت محل زندگی خواهر نیما حرکت می‌کند؛ جایی که نیما هم در آنجا حضور داشته است و تصاویر دوربین قبول وثیقه در زندان هم‌سرس می‌برد بعد نیما به همراه باب لی از آبار تمان خارج می‌شوند و سوار بر بی‌ام وی نیما محل را ترک می‌کنند. نیما پس از آنکه بابلی را به محلی خلوت می‌برد، در تاریکی شب با چاقوی آتشیز خانه به او ضربه می‌زند و بعد وی را همانجا رها کرده و به خانه‌اش برمی‌گردد تا اینکه پلیس او را دستگیر می‌کند.

اطلاعاتی که این شاهد عینی در اختیار پلیس قرار داده، ابعاد تازه‌ای از این جنایت جتجالی را فاش کرده و در حال حاضر نیما یا با قرار بازداشت بدون وثیقه در زندان هم‌سرس می‌برد و جلسه دوم داد‌گاه به حدود ۱۰روز بعد موکل شده است. این در حالی است که در جلسه نخست داد‌گاه، خواهر نیما به نام خزر به همراه همسرش که از جراحان معروف زیبایی در سانفرانسیسکو است، حضور داشتند اما حاضر نشدند به سؤالات خبرنگاران پاسخ دهند.



متهم به قتل

## کوتاه از حادثه

## شکایت از همسر به جرم آدم‌ربایی

با شکایت مردی که می‌گوید همسر سابقش با ربودن پسر ۱۳ساله‌اش از کشور خارج شده، تحقیقات در این پرونده آغاز شده است. چند روز پیش مردی راهی دادسرای جنایی تهران شد و با شکایت از همسر سابقش گفت: من و همسرم از سال‌ها قبل دچار اختلافاتی شده بودیم تا اینکه تصمیم به جدایی گرفتیم. پس از اطلاع حضانت دختر ۲ساله و پسر ۱۳ساله‌به من سپرده شد. براساس حکم داد‌گاه پسر ۱۳ساله‌ام آخر هفته‌ها نزد من است با مادرش باشد. او هر هفته براساس روال همیشه نزد مادرش می‌رفت اما آخرین بار که رفت برگشتی در کار نبود. وی ادامه داد: من که نگران شده بودم با موبایل همسر سابقم تماس گرفتم اما خاموش بود. به پسرم رنگ زدم اما موبایل او هم خاموش بود که من به‌شدت نگران شدم. ابتدا تصور کردم بلایی بر سرشان آمده است اما پس از پیگیری‌های دقیق تر متوجه شدیم که همسر سابقم، پسرم را برای همیشه به خودش با خر از کشور برده است. البته نمی‌دانم به چه کشوری فرار کرده و فرزندم را غیرقانونی پسرم شکایت کنم.

با این شکایت، پرونده‌ای در شعبه دادسرای جنایی تهران تشکیل شده و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.